

پژوهش در عمل

«بخش دوم»

فصل چهارم از کتاب *Enquiry Learning*

By: *Rob MC Bride and John Schostak*

ترجمه: فاطمه محمدزاده و علی رضا شواخی

۱-۲ - مشاهده (۱۷)

ترجیح می‌دهد. به‌ویژه زمانی که آنچه در حال مشاهده شدن است مستلزم موقعیتی برای «ما» و موقعیتی برای «آنان» باشد. بدین ترتیب مشاهده دست در دست مصاحبه خواهد داشت.

۲-۲ - مصاحبه (۱۸)

احتمالاً بسیاری از داده‌هایی که جمع‌آوری می‌کنید، حاصل مصاحبه می‌باشد. مصاحبه ثبت کردن صدای دیگران است. صدا امری کاملاً شخصی است. وقتی من صحبت می‌کنم این صدای من است نه صدای دیگران. لغات من، بیان کننده‌ی احساسات من و نقطه نظرات من است. به‌هرحال حقیقتاً تا چه حدودی این موضوع صحیح است؟ چه مقدار از آنچه که من باور دارم یا می‌دانم که صحیح است دست دوم یا دست سوم است یا از طریق تلویزیون، والدین یا معلم مدرسه به‌من انتقال پیدا کرده است؟ چه مقدار از آنچه که من صحبت می‌کنم زائیده صدای دیگران، قدرت دیگران و آنانی که در زندگی من مهم و تأثیرگذار بوده‌اند، می‌باشد؟ آیا صدای من بینوا، در حقیقت در این‌جا چه ارزشی دارد؟

بسیاری از مردم احساس می‌کنند که در سازمان خود، خانواده یا به‌طور کلی زندگی اجتماعی‌شان صدایی ندارند. مصاحبه مستلزم درگیر شدن با سؤال‌ها و موضوعاتی از این قبیل است. در ارائه صدای دیگران آیا من به‌نوعی در حال عوض کردن صدای ایشان و جابه‌جا کردن آن با صدای خود نیستم؟ وقتی که من از طرف دیگری صحبت می‌کنم، چه کاری انجام می‌دهم؟

وقتی که من صداهای آنان را نمایندگی می‌کنم، آیا حقیقتاً به‌ساختار اجتماعی سکوت آنان و بی‌صدایی آنان در اجتماع کمک نمی‌نمایم؟ چگونه می‌توانم داده‌هایی را ثبت کنم که به‌راستی

مشاهده چیزی بیش از نگرستن تنها و نگاه کردن است. مشاهده بایستی که بتواند یک صحنه‌ی اجتماعی (آموزشی) را در مسیری که قابل تشخیص است برای بازیگران درگیر ارائه کرده و هم‌چنین بتواند روایی و صحت ارائه اقدام را نشان دهد. مسأله در این‌جا بحث در معنای روایی و صحت است. واضح است که افراد مختلف، داورهای متفاوتی بر اساس آنچه که می‌بینند، خواهند داشت. مشاهده نمی‌تواند از معانی متفاوتی که بازیگران در اجرایشان به‌کار می‌برند و یا از اجراهای دیگران و صحنه‌ی نمایش و تجهیزاتی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، جدا باشد. به‌این ترتیب نکته‌ی مهم در ساختن یک توصیف معرف از کار اکثرهای قابل مشاهده، حوادث، صحنه‌ها و تجهیزات این است که این توصیف از جهاتی مستلزم نوع تفسیر بازیگران است که به‌عنوان مثال به‌وسیله موارد زیر می‌تواند انجام گیرد:

- اجازه دادن به بازیگران که نحوه‌ی اجرا را بخوانند.
- جستجو کردن موقعیت‌ها در زمانی که درک یک شخص از معنای یک موقعیت می‌تواند با پرسش از بازیگران امتحان شود که آیا آن فهم یا تفسیر صحیح می‌باشد؟
- درگیر کردن بازیگران به «باخوداندیشی» بر اساس ضبط صدا و تصویر و درخواست شرح و تفسیر از آنان. برای مثال بازبینی یک ضبط ویدئویی برای دانش‌آموزان.

با انجام مکرر چنین آزمایش‌هایی، پژوهشگر مطمئن می‌شود که درک او از آنچه مشاهده می‌کند، به‌طور معناداری متفاوت از درک بازیگران نمی‌باشد. به‌هر حال پژوهشگر، تفاسیر متعددی از مشاهدات انجام شده را جمع‌آوری کرده، اما تنها یک تفسیر را

نمایانگر صداهای خود ایشان باشد؟ بدون سانسور کردن، و بدون تقویت ساختارهای قدرت که مستمراً در حال نفی صداهای دیگران است. به این دلیل پرسش‌نامه‌ها، راهبرد خوبی برای آشکار کردن صداهای مشارکت‌کنندگان نمی‌باشد. پرسش‌نامه‌ها به منظور کاوش واقعیت‌اشیا و مطابق با برنامه‌ی کاری و بر مبنای علائق پژوهشگر، از پیش ساخته می‌شوند. بدین ترتیب اگر شما در محل کار خودتان اقدام می‌کنید، احتمالاً ایده‌ی خوبی نیست که به‌استفاده از پرسش‌نامه و سوسه شوید.

برخی از افراد که اقدام پژوهی را برای اولین بار انجام می‌دهند، به‌اجرای پرسش‌نامه در بین همکاران خود معروف شده‌اند. زیرا آنان جسارت انجام مصاحبه را ندارند. بنابراین مانع و سوسه‌ها شویید.

آشکارا یک نقطه‌ی شروع بهتری برای هدایت یک مصاحبه به‌منظور تشخیص برنامه‌ی کاری دیگران وجود دارد. چنانچه بخواهید در مرحله‌ی بعد با تعداد زیادی از مردم صحبت کنید تا یک تصویر کلی داشته باشید و یا برای درک این که چگونه نتایج کاربردی شما گسترش پیدا می‌کند، تصمیم به‌اجرای پرسش‌نامه می‌گیرید. در ذهن خود، موضوعاتی را که با توصیف همراه شده‌اند، داشته باشید و در مورد تعمیم‌پذیری آن‌ها دقت کنید. به‌خاطر ضرورت جذب و ارزش مصاحبه‌ی اولیه، به‌موقع شروع به‌جمع‌آوری داده‌ها کنید.

مرحله‌ی اول و دوم، همان‌گونه که این‌جا آمده است، نباید به‌عنوان ضرورتی متفاوت در نظر گرفته شود. در شروع کار شاید شما احساس کنید که درک ضعیفی از حوزه‌ی مورد مطالعه خود دارید. اما این نباید مانع شود که یک مصاحبه باز بدون ساختار را تنظیم نمایید. ممکن است شما بگویید کمی یادگیری، یادگیری زیادی است!

اغلب از ما سؤال می‌شود یک پژوهشگر چه مقدار مصاحبه باید انجام دهد؟ البته یک جواب ساده به این سؤال وجود ندارد. ما می‌توانیم بگوییم شما هر مقدار لازم باشد ملزم به‌انجام مصاحبه هستید تا این‌که یک مورد یا موارد زیادی را روشن کنید.

شما احتمالاً در می‌یابید که در یک دوره‌ی کوتاه، حجم زیاد و

قابل توجهی از داده‌ها را جمع‌آوری کرده‌اید و این موضوع شاید شما را به‌هراس اندازد. حقیقتاً مقادیر زیاد داده‌ها برای ساختار یک معنا بسیار مشکل می‌باشد. در تلاش باشید و از دیدگاه‌های گوناگونی که یا وجود دارند و یا ظاهر می‌شوند، داده‌ها را جمع‌آوری کنید، سپس توفقی داشته باشید و سعی کنید درکی از آن‌چه دارید، ایجاد کنید.

پس از آن می‌توانید تصمیم بگیرید که مطالعه‌ی شما بایستی در چه جهتی باشد. شاید شما بخواهید با بعضی از مردم مصاحبه کنید یا کانون توجه را به‌طور کامل تغییر دهید. در همان حال که شما درکی از آن‌چه اتفاق می‌افتد کسب می‌کنید، می‌توانید هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها به‌طبقه‌بندی آن‌ها پردازید.

طبقه‌بندی به‌انواع: مهم^(۱۹)، حاشیه‌ای^(۲۰)، غیرمطمئن^(۲۱)، و یا هر چیز دیگر می‌تواند باشد. بدین ترتیب شما می‌توانید نبض مطالعه را با انگشت خود کنترل کنید.

یک طبقه‌بندی برای شیوه‌ی مصاحبه کردن، آن را به‌عنوان تکیه‌گاهی، روی پیوستاری از رسمی تا غیررسمی در نظر می‌گیرد. رسمی‌ترین شکل مصاحبه، شبیه به این است که پژوهشگر پرسش‌نامه‌ای را به‌عنوان فرم مصاحبه بخواند. وظیفه مصاحبه‌کننده این است که اطمینان پیدا کند تفسیر صحیحی از برنامه مصاحبه برای مصاحبه شونده ارائه شده است. در یک مصاحبه کمتر رسمی، اگر چه مصاحبه‌کننده فهرستی از سؤال‌های جامع را خواهد داشت، اما موضوعات جالبی را که به‌وسیله‌ی مصاحبه‌شونده در پاسخ به سؤال‌ها ایجاد شده است، دنبال می‌کند. تلاش در مصاحبه‌های غیر رسمی بر این است تا مصاحبه‌شونده را در مکالمه درگیر نمایند. منظور این است که به‌مصاحبه‌شونده اجازه می‌دهند که برنامه‌ی خود را در امور مورد علاقه و جذاب، بدون آن‌که تحمیلی از جانب مصاحبه‌کننده در کار باشد، به‌پیش ببرد.

مصاحبه‌گر ممکن است با یک سؤال ساده شروع کند. مانند این‌که آیا می‌توانید چیزهایی درباره موضوع مد به‌من بگویید؟ سپس مصاحبه شونده، دیدگاه‌هایی را که به‌نظر مهم تلقی می‌شوند، ساخته و از طریق آن را عقلانی می‌داند به‌هم مربوط

می‌کند.

۱ - شیوه‌ی برانگیزاننده^(۲۲): برخی افراد دارای شیوه‌ای هستند که به آن شیوه برانگیزاننده گفته می‌شود. این شیوه تقریباً یک‌نوع تهاجم است. مزیت آن این است که موضوعات اساسی را سریعاً به وسیله پاسخ‌هایی که حاصل تحریک است، به دست می‌آورد. به هر حال این شیوه می‌تواند یک عصبانیت و حالت بی‌اعتمادی ایجاد کرده و پاسخ‌های مصاحبه‌شونده را محدود کند.

۲ - شیوه‌ی حمایت‌کننده^(۲۳): در این شیوه مصاحبه‌کننده، خود را در لباس و صحبت به شکل مصاحبه‌شونده در می‌آورد. مزیت این شیوه برقرار کردن یک پاسخ مطلوب مقدماتی است. به هر حال او را به عنوان یک مصاحبه‌گر، غیر متقاعدکننده معرفی می‌کند.

۳ - شیوه‌ی پشتیبانی‌کننده^(۲۴): این یک شیوه‌ی سطحی تقریباً ناشیانه است که هیچ تهدیدی برای هیچ‌کس نمی‌باشد. این شیوه مستلزم یک طرز تلقی ذهنی مطمئن است که بدون پیش داوری بوده و عصبانیت و ناکامی را نشان نمی‌دهد. بلکه همیشه علاقه‌ای به آنچه گفته می‌شود، نشان می‌دهد. اهمیتی ندارد که چقدر کسل‌کننده یا سطحی و تکان دهنده باشد.

خطر این شیوه این است که مصاحبه‌شونده به‌طور جدی با مصاحبه‌کننده رفتار نکند. اما این شیوه با قوت زیاد می‌تواند مصاحبه‌شونده را آرام کرده و او را در شناسایی مطالبی که در غیر این صورت پنهان می‌ماند، کمک کند.

۴ - شیوه‌ی برخورد مواجهه‌ای مددکار اجتماعی^(۲۵): در این شیوه مصاحبه‌کننده نشان می‌دهد که این موضوع برای من جالب است، آن را بیشتر توضیح دهید. این شیوه می‌تواند مصاحبه‌شونده را به سمت و سویی که مصاحبه‌کننده می‌خواهد به راحتی هدایت کند. برای مثال آنچه جالب است می‌تواند غیر عصبی باشد. ممکن است احساسی از روان‌کاوی محرمانه را سبب شود. با این وجود این شیوه می‌تواند اعتماد به وجود آورد. این شیوه یک گوش همیشه شنوا فراهم می‌کند که برای آنچه مردم دوست دارند بگویند (به‌ویژه صحبت در مورد خودشان) سودمند است.

در خصوص این شیوه‌ها، فنون مورد توافق برای مصاحبه

مصاحبه غیر رسمی تحت شرایط مورد توافق رسمی، اتفاق می‌افتد یا این‌که ممکن است به صورت مکالمه‌ای گذرا و ساده طی شود. در مورد اخیر، پژوهشگر باید ملاحظات اخلاقی همراه با به‌کارگیری این ملاحظات را در نظر بگیرد.

۲-۲-۱ - قوانین مصاحبه غیررسمی

مصاحبه غیررسمی، بیشتر یک هنر است تا یک علم. قوانین نافذ و سریعی در این باره وجود ندارد. به هر حال مسائلی که احتمالاً مصاحبه‌کننده لازم است از آن‌ها آگاه باشد به شرح زیر است:

● تحمیل اختیارات مصاحبه‌گر به مصاحبه‌شونده

● تحدید اختیارات مصاحبه‌شونده

● بیشتر نظر دادن تا سؤال کردن

● درخواست سؤال

● ناکامی دریافتن مثال‌های مرتبط، داستان‌ها، حکایت‌ها و گزارش‌های توصیفی

● واژه داشتن (برای مثال: بزرگ‌سال - کودک / معلم - شاگرد)

بدین ترتیب نیاز به درگیر شدن در خطر، راهبردها را کاهش و اعتماد را افزایش می‌دهد.

● زیاد صحبت کردن

● آشکار کردن علائق مصاحبه‌گر، از طریقی که مصاحبه‌شونده چیزی را ارائه دهد که شما دوست دارید بشنوید. ● استفاده از یک ضبط صوت، بدون مشورت با مصاحبه‌شونده

۲-۲-۲ - راهبردهایی برای مصاحبه غیررسمی

در این مورد نیز هیچ دستورالعملی وجود ندارد. هر کسی شیوه‌ی خود را مطابق با شخصیت خود به پیش می‌برد. عمل کردن خارج از شخصیت و منش به راحتی قابل تشخیص است. بنابراین بهتر است به وسیله آزمایش و خطا بحث و تعمق را در آنچه اثر دارد یا اثر ندارد، فرآیند بگیرید. در ادامه تعدادی از شیوه‌های مصاحبه که همکاران ما آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، توصیف می‌کنیم:

وجود ندارد. اما بیشتر تقلیدی از روش‌هایی هستند که در شیوه‌ی عمل دیده می‌شوند.

بعضی مواقع در طول مصاحبه‌ها، ارزیابی درک‌ها و تجزیه و تحلیل و اصلاح ایده‌ها، مفید خواهد بود. بنابراین مصاحبه‌کننده‌ای ممکن است بگوید «آن‌طور که من می‌فهمم، در این لحظه می‌بینم که شما می‌گویید...» و سپس درک خود را از آنچه مصاحبه‌شونده ابراز می‌دارد، خلاصه می‌کند. یا مصاحبه‌کننده ممکن است بگوید «یک بحث، نظر یا مسأله که من از سایر مردم شنیده‌ام اینست که... نظر شما چیست؟» در این راستا ایده‌ها می‌تواند ارزیابی شود یا تطابق همگونی داده‌ها^(۲۶) انجام گیرد (نگاه کنید به مرحله‌ی چهارم). خواهید دید که تا چه اندازه آن‌ها برای سایرین کاربرد دارد.

هم‌چنین این نکته باید ملکه ذهن شود که یک مصاحبه، صرفاً یک درخواست کلمات نیست، بلکه درخواست گفتگو است. به بیان دیگر نوع ارتباط، گسترده‌تر از لغات تنها می‌باشد.

لباس شما نباید رسمی اما باید متناسب باشد. عموماً من سعی می‌کنم به روشی مناسب برای مصاحبه خود را آماده کنم. غالباً کمتر رسمی پوشیدن را نسبت به شخصی که با او مصاحبه می‌کنم مفیدتر می‌دانم. اگر چه این مورد همیشه صحیح نیست.

بعضی اوقات بهتر این است که از آن شخصی که با او مصاحبه می‌کنید مهم‌تر جلوه کنید. اگر شما با اهمیت‌تر ظاهر شوید، در می‌یابید که مصاحبه شونده، کمی مرعوب و خوددار شده و آن‌طور که انتظار دارید تمایل به همکاری ندارد.

تا آن‌جا که می‌توانید خودتان را در مطالعه‌تان غرق کنید. شاید مجبور شوید برخی مطالعات و بعضی مصاحبه‌ها را انجام دهید. اما دنبال انجام کاری باشید که ضرورت داشته باشد. بخصوص مصاحبه را زودتر از کارهای دیگر انجام دهید. مصاحبه کردن مستلزم برخی تعهدات از جانب شما است. بر هر نگرانی یا ترسی که ممکن است در مرحله‌ی اول داشته باشید، غلبه کنید. به عبارت دیگر خود را کاملاً درکار وارد کنید.

۲-۳- مدارک و اسناد شخصی

در طول دوره‌ی کار روزانه، مدارک و اسناد شخصی، غالباً یا

ساخته شده یا به‌کار گرفته می‌شوند. مدارک نه فقط شامل برگه‌ها، گزارش‌ها و بروشورهای رسمی سازمانی، بلکه شامل یادداشت‌های کاری روزانه، طرح‌های کاری و مواد و وسایل نیز می‌شوند. حتی یادداشت‌های با گچ نوشته روی تخته سیاه، وایت برد، فلوجارت که غالباً بی‌دوام هستند، می‌توانند به‌عنوان سندی برای شاهد کار یک کمیته یا کلاس ثبت شوند.

پس از آن، مدارک شخصی (الگوها، کارهای هنری، صنایع دستی و...) و سایر تجهیزات (مانند مبلمان، تصاویر و دیگر سوابق که می‌توانند کاربردی بوده یا ارزش سمبولیک و زیبایی شناختی داشته باشند) می‌باشد. هر یک از این‌ها معنایی را برای بازیگرانی که نیاز به فهمیدن دارند، دارا می‌باشند. به‌منظور آشکار کردن معنای موقعیتی اسناد و مدارک شخصی، سؤال‌های مانند سؤال‌های زیر، از خود شخص یا دیگران پرسیده می‌شود که مشاهده و تجزیه و تحلیل را جهت دهی می‌کند:

● چگونه اسناد و مدارک به‌کار گرفته می‌شوند؟

● در چه موقعیت‌هایی به‌کار می‌روند؟

● در چه مکان‌هایی استفاده می‌شوند؟

● چه کسی از آن‌ها استفاده می‌کند؟

● آیا آن‌ها با سایر موارد به‌کار برده می‌شوند؟

● با استفاده از آن‌ها چه الگوهای مشخصی از رفتار، و یا آداب همراه می‌شود؟

● چه چیزهایی در مورد آن‌ها گفته می‌شود؟

● افراد و گروه‌ها درباره‌ی آن‌ها چه احساسی دارند؟ درباره‌ی آن‌ها چه قضاوتی می‌کنند؟

هم‌چنین پژوهشگر ممکن است به دنبال این باشد که مدارک را چه کسی نوشته و با نوشتن آن‌ها چه منظوری داشته است؟ با عرضه، بیان، توضیح و تبیین مثال‌های به‌کار رفته، چارچوب و ارائه کلی و حضور پیش‌بینی شده، از نقطه نظر نویسنده کم‌کم موضوعات مهم آشکار می‌شود.

به‌خاطر داشته باشید هر برگه کاری و حتی یک یادداشت کوچک را که می‌توانید مانند یک دفتر یادداشت تولید کننده داده‌های ارزشمند باشد، ذخیره و جمع‌آوری کنید. یادداشت‌های

روزانه فایده مضاعفی دارند. به این معنا که شما خود در می‌یابید نوشتن افکار شخصی می‌تواند به مقدار زیادی روشنگر استعدادها و فهم شما باشد. معمول این است که یک دفتر یادداشت حداقل ثبت مفیدی از فعالیت‌های شما را فراهم می‌کند. از همه بهتر آن‌که منعکس کننده فعالیت‌های شما و یک منبع مهم از داده‌ها خواهد بود.

همان‌طور که دامنه‌ی متغیری از مواد گردآوری می‌شود، (به شکل ضبط نوار صوتی یا تصویری، دفترهای یادداشت روزانه، اسناد و مدارک و...) سؤال مهم بعدی این است که چه نظمی باید به آن ببخشید که به راحتی قابل دسترسی بوده و بتوان یک معنای کلی از آن استخراج نمود.

۳) تجزیه و تحلیل داده‌ها و تولید فرضیه‌ها (مرحله‌ی سوم)

همان‌گونه که لازم نیست مرحله‌های اول و دوم از هم تفکیک شوند. شما ممکن است احساس کنید مرحله‌ی سوم زمانی اتفاق می‌افتد که در حال انجام مرحله‌ی اول و دوم هستید. اول از همه توجه کنید که تولید فرضیه‌ها اندک زمانی پس از آن‌که شما در مطالعه خود غرق شده‌اید، اتفاق می‌افتد. محوریت جستجوی شما این خواهد بود که برای تشخیص موضوعات جدید، درباره‌ی شیوه‌ی اجرای خود و سایرین (که بسیار ضروری است) تلاش کنید. فرضیه‌های مقدماتی تمایل به از دست دادن فهم داده‌ها و تشابه بین آن‌ها دارد. آن‌چه که ممکن است «فرضیه‌های پرورده شده» نامیده شود، دارای اساس محکم‌تری است. یک مثال در این‌جا می‌تواند کمک کننده باشد:

یک دانشجو معلم تکنیک‌های کلاس مشارکتی را مورد تجربه قرار می‌دهد. او هم اکنون، بعد از دارا شدن ۲ فرزند به کار برگشته است. در حالی که فرصت‌هایی برای تأمل کردن داشته، تلاش می‌کند آن‌چه را که قبلاً از دست داده بود، با اعتماد به نفس و اطمینان به دست آورد. طولی نمی‌کشد که او با مشکل بزرگی روبرو می‌شود. مادامی که دانش‌آموزان کلاس‌های او برای درک رویکرد جدید آماده می‌شدند، معلم کلاس مجاور از رفت و آمد بچه‌ها در کریدور (در حین درس‌ها، در مسیر کتابخانه به کلاس و سایر جاها)

ناخرسند بود و مخالفت‌هایی نیز در اتاق کارکنان مطرح می‌شد. به تدریج مطالعه‌ی دانشجو معلم، نه فقط به ایجاد تغییر در کلاس خود بلکه به ایجاد تغییراتی در موقعیت همکاران خود جهت گرفت. تغییر در مدرسه به اندازه‌ی تغییر در کلاس او اهمیت یافت. فرضیه اصلی به فرضیه‌های پرورده شده مرتبط‌تری ارتقا یافت.

معناسازی از داده‌ها، شامل یک بخش شهودی و یک بخش تنظیم سیستماتیک است. بخش شهودی درباره‌ی دیدن موضوعات، طرح‌ها، ساخت حدس‌ها و بحث‌ها و پرسش بیشتر در خصوص داده‌ها می‌باشد.

از این دیدگاه، شما ممکن است دریابید که آشنایی با پیشینه به شما کمک خواهد کرد تا موضوعات مهم را دنبال کنید. اگر چه شما نیاز دارید نظرات خود را نیز ارزیابی نمایید.

همان‌طور که داده‌ها توسط طرح‌ها، بحث‌ها و سؤال‌ها ایجاد می‌شوند، انبوه یادداشت‌ها، دست‌نوشته‌ها، اسناد و مدارک و سایر موارد ثبت شده به «شاهد» تبدیل می‌گردند. به هر حال شما نباید منتظر الهام، حدس و گمان و یا درخشش نبوغ باشید. اغلب کار معناسازی از داده‌ها، مستلزم یک نظم سیستماتیک از داده‌ها است. این فرایند عمدتاً یک فرایند تجزیه و تحلیل است که می‌تواند به موارد عادی و قابل دسترسی و ریز تبدیل گردد. مانند آن‌چه در زیر بیان می‌گردد:

● اسناد و رونوشت‌ها و... را برچسب بزنید. برچسب‌های منطقی و معقول اثربخش‌تر هستند. مانند نام شخصی که مصاحبه شده، مشاهده شده، تاریخ و عنوان (عناوین) حادثه یا حوادثی که مشاهده کرده‌اید.

● صفحات، پاراگراف‌ها و هر واحد جزئی و آشکار دیگری از رونوشت‌ها یا اسناد و مدارک را شماره‌گذاری کنید.

● اسناد گوناگون، رونوشت‌ها و... را نمایه کنید. بنابراین برای مثال اگر می‌خواهید بدانید مفاهیم مربوط به «کنترل» یا «ارزش‌های دموکراتیک» یا «موضوع جنسیت» یا «طرز تلقی نسبت به کار» و سایر مواردی که بیان شده‌اند در کجای پرورده داده‌ها قرار دارند، شما به همه جاها در ثبت یادداشت‌ها و هر جایی که موضوع ویژه‌ای حاصل شده است اشاره خواهید کرد.

برای مثال «کنترل» در پرونده A مصاحبه‌ها، صفحه ۳، بخش ۲ - صفحه ۵، بخش ۷ و... ذکر شده است.

● دائماً بپرسید این داده‌ها از چیست؟ به‌عنوان مثال یادداشتی از یک ثبت مشاهده‌ای به‌این مضمون «ارباب رجوع با حالتی غمگین وارد اتاق شد...» پیدا می‌کنید که داده‌ای از حالت ذهنی ارباب رجوع نبوده بلکه درباره‌ی قضاوت‌های ساخته شده توسط مشاهده کننده می‌باشد که بیان نوعی از غمگینی بوده است. هم‌چنین در یک مصاحبه، اگر مصاحبه شونده بگوید «جو یک اسکیزوفرنیک است»، این داده‌ای درباره جو نیست، بلکه داده درباره سیستم طبقه‌بندی‌ای است که توسط مصاحبه شونده به‌کار رفته است.

اگر شما داده‌ها را در کامپیوتر ذخیره می‌کنید، امتیاز مضاعفی وجود خواهد داشت. بیشتر پردازشگرها دارای تسهیلاتی از قبیل امکان جستجو و امکان بازیابی آسان می‌باشند. این روش می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ی ساده‌ای برای سازمان‌دهی داده‌ها به‌کار رود. با قرار دادن لغات کلیدی در بالای هر بخش، کامپیوتر می‌تواند یکی پس از دیگری آن‌ها را بیابد. بدین ترتیب به‌ردیابی سریع عبارات مهم کمک می‌کند. برای مثال: مصاحبه با یک معلم شبانه‌روزی:

□ نظم و انضباط

□ ایجاد ارتباط

□ اعتماد

□ فردیت

□ نقش‌های سازمانی

به‌عنوان یک مدیر شبانه‌روزی از من انتظار دارند، بچه‌هایی را که سوء رفتار با سایرین دارند منضبط ساخته و آنانی که من باید با ایشان به‌خوبی رفتار کنم، با بقیه فرق بگذارم.

هم اکنون می‌توانم تلاش نموده و ارتباطی ایجاد نمایم که موقعیت خوبی فراهم سازد. من سعی خود را کرده‌ام و بچه‌ها هم این موضوع را درک می‌کنند. من بچه‌ها را آموزش می‌دهم و به‌آنان یادآور می‌شوم که این در واقع قسمتی از شغل من است که بعضی از اوقات با آنان بد اخلاق باشم، حتی اگر آنان هیچ‌کاری با شخص من نداشته باشند. این‌گونه آنان توانسته‌اند ارتباط مرا با سازمان

درک کنند و وقتی که آنان به‌سازمان آسیب می‌رسانند، در واقع به‌نوعی به‌موقعیت من آسیب رسانده‌اند. من نیز شخصاً تمایل دارم که روی من به‌عنوان شخصی که می‌تواند به‌او اعتماد نمایند، و کسی که می‌تواند با او ارتباط داشته باشند، حساب کنند. به‌عنوان یک فرد نمی‌خواهم که فقط بخشی از سازمان متبوع خود باشم.

با دادن اطلاعات، کامپیوتر برای یافتن کلید واژه «اعتماد» یکی پس از دیگری به‌تمام بخش‌ها می‌رود و از این طریق کلید واژه با علامت ستاره، مشخص می‌شود. بدین ترتیب، کامپیوتر به‌سراغ هر مورد از کلید واژه‌ی «اعتماد» که بدون ستاره باشد نخواهد رفت. برای داده‌های جذاب‌تر با برنامه‌های در دسترس‌تری مانند ابرمتن^(۲۷) و ابرکارت^(۲۸) این فرآیند می‌تواند فریبنده‌تر پردازش شود.

زمانی که شما داده‌هایتان را سازمان‌دهی می‌کنید، احتمالاً خود را غرق در افکارتان می‌سازید. در لحظات تنهایی، درباره‌ی مصاحبه‌ها یا بعضی حرفه‌هایی که در کلاس گفته شده، فکر می‌کنید. به‌طور خلاصه شما تجزیه و تحلیل داده‌ها را شروع کرده‌اید. اگر شما نوارهای صوتی - تصویری دارید، سراغ آن‌ها بروید. بدون این‌که در آغاز نیازی به‌پیاپی نوار باشد. اگر یادداشت‌هایی دارید، آن‌ها را بخوانید، یادداشت‌ها را تنظیم کنید. از یک قلم نشانگر استفاده کرده و قسمت‌های مهم را برجسته کنید. همین عمل را با اسناد و مدارک نیز انجام دهید. به‌تدریج شما از مضامینی^(۲۹) که ظاهر می‌شوند آگاه خواهید شد. بدین معنا که تعدادی از معلمان به‌رفتار یک کلاس بخصوص یا یادگیری گروهی از دانش‌آموزان یا اقدامات معلم ارشد اشاره داشته‌اند. پس این‌ها موضوعاتی هستند که توجه مخصوص شما را می‌طلبد. شما ممکن است به‌تدریج خود را در حال تمرکز بر آن‌ها ببینید، در عین حالی که از سایر مطالب هم غافل نیستید. همان‌طور که به‌پیش می‌روید ممکن است ارتباطاتی بین موضوعات ببینید. پس باید دقت کنید این ارتباطات بر خاسته از تلقی و یا تمایلات شما نباشد. در دور دوم مصاحبه‌ها، شاید نیاز به‌مشخص کردن این موضوع باشد که در پی ارائه‌ی جلوه‌ی نادرستی از مصاحبه شونده‌ها نیستید. همان‌طور که به‌پیش می‌روید ممکن است ارتباطاتی بین

موضوعات ببینید. پس باید دقت کنید این ارتباطات بر خاسته از تلقی و یا تمایلات شما نباشد. در دور دوم مصاحبه‌ها، شاید نیاز به مشخص کردن این موضوع باشد که در پی ارائه‌ی جلوه‌ی نادرستی از مصاحبه شونده نیستید.

در طول دوره‌ی مطالعه‌تان، ارتباطی که موضوعات را به هم متصل می‌کند، نظریه‌ها را به وجود می‌آورد. در این خصوص دقت زیادی داشته باشید. این شیوه‌ی خوبی نیست که نظریاتی تولید کنید که صحیح نباشد. داده‌هایی که برای پشتیبانی از یک نظریه به کار می‌روند باید از یک رشته منابع به دست بیایند. به این معنا که آن‌ها باید همگونی داده‌ای داشته باشند. به داده‌هایی که از این طریق به کار گرفته می‌شوند "شاهد" اطلاق می‌شود. هم‌چنین به خاطر داشته باشید معمول اینست که بعضی از داده‌ها، کنار گذاشته می‌شوند، همان‌گونه که از اول کنار بوده‌اند. به بیان دیگر آن‌ها ممکن است دقیقاً مناسب برای تولید یک نظریه نباشند.

این داده‌ها نباید به‌طور خودکار دور ریخته شوند. آن‌ها می‌توانند در مجموع مهم‌ترین داده‌ها باشند و این شما هستید که باید قضاوت کنید. احتمالاً در می‌یابید که افراد بر اساس منطق‌هایی با مختصر تفاوت، تصمیم می‌گیرند و آن‌چه برای شما معقول است، ممکن است برای آن‌ها این‌گونه نباشد و...

۴) برنامه‌ریزی گام‌های اقدام (مرحله‌ی چهارم)

یک تصور مشترک در تمام تحقیق‌های کیفی این است که اگر برنامه‌ریزی اقدام بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده از مواردی باشد که بایستی اجرا شوند، فرصت خوبی فراهم خواهد شد که اقدام، حقیقتاً به‌وقوع بپیوندد.

اگر شما در کلاس درس خودتان در حال اقدام پژوهی هستید و سوسه‌هایی برای شما پیش خواهد آمد. از جمله این‌که شما هیچ‌کاری انجام ندهید و دیگران هم نخواهند فهمید! بنا به تجربه‌ای که من داشته‌ام، این مسأله به‌ندرت اتفاق می‌افتد. اقدام‌پژوهان اغلب تا این مرحله به‌سختی در کارشان گرفتار شده‌اند و نمی‌توانند منتظر بمانند تا چیزی را امتحان کنند.

سؤال بعدی این است که آیا اقدام‌پژوه تلاش کرده و تغییرات بزرگ و کوچکی ایجاد نموده و یا این‌که احتمالاً اقدام‌پژوه تلاش با

انگیزه‌ای نداشته است؟

سرانجام انواع تغییراتی که به‌وجود می‌آیند بستگی به افراد و موضوعاتی دارند که در آن‌ها درگیر شده‌اند و قضاوت اساسی پژوهشگر، عامل اصلی در تشخیص آن‌چه که اتفاق افتاده، خواهد بود.

وقتی که اقدام‌پژوهی شامل افراد دیگر می‌شود، تصمیماتی که بایستی اتخاذ شود، کاملاً متفاوت خواهد بود. شاید اهمیت اولین سطر از این بخش، در این‌جا آشکار شده باشد. برای مثال اگر شما سعی می‌کنید دانش‌آموزان را به‌طور متفاوت به‌عنوان یک گروه ارزیابی کنید، شاید نیاز باشد که ملاقات‌های متعددی داشته باشید. شاید مفید باشد که نمایندگانی از سایر گروه‌ها را نیز در ملاقات‌های خودتان داشته باشید. بنابراین آن‌ها می‌توانند ببینند که شما در حال انجام چه کاری هستید. اعضای تیم مدیریت ارشد ممکن است در این اجرا نقش داشته باشند. من یک اقلیت کوچکی را در یک گروه شناسایی کرده‌ام که نمی‌خواهند تغییری در شیوه‌ی عملشان بدهند. معمولاً بهتر است که کاری به‌کار آن‌ها نداشته باشیم و با آن‌ها مخالفت نکنیم. اگر تغییراتی که شما طرح‌ریزی می‌کنید خوب کار کنند، شما ممکن است در مرحله‌ی بعدی قرار گیرید.

مادامی که ما در حال فرمول‌بندی و طرح‌ریزی هستیم، فرآیند ساخت نظریه نیز به‌پیش می‌رود. این یک فرآیند چند لایه‌ای می‌باشد. بحث نظریه در بخش قبلی (۲) اشاره شد و بخش ساخت نظریه که ذیلاً می‌آید، می‌تواند شامل بخش (۲) نیز باشد. اما روشن نمودن چگونگی روند ساخت نظریه در مطالب بعدی آمده است.

۴-۱ - ساخت نظریه

نظریه، شرحی است از ارتباط عناصر داده‌هایی که شما جمع‌آوری کرده‌اید. هم‌چنین در هر زمانی همه‌ی ما، نظریه‌هایی درباره‌ی جهان می‌سازیم. پژوهش در این زمینه به‌ما فرصت پیشرفت را می‌دهد و نیز این‌که بعضی از این نظریه‌ها را در عمل آزمایش کنیم.

اگر معلمی بگوید «بیلی کوچولو خیلی شیطان است» به‌عنوان

یک دلیل برای رفتار بد، این ادعا می‌تواند با امتحان کردن زمینه‌هایی که در آنها بیلی آن‌گونه عمل می‌کند، مورد آزمایش قرار گیرد.

ممکن است دریابیم که او همیشه برچسب «شیطنت» خورده است، در حالی که در بعضی موارد شیطنت داشته ولی در جاهای دیگر هرگز این‌گونه نبوده است. به همین دلیل بایستی بیان کنیم نظریه‌ی «شیطنت زیاد» حداقل ناکافی است و شاید غلط باشد. شاید نظریه‌ی جدید بر اساس شواهد این باشد که «بیلی کوچولو تنها در موقعیت‌های بسیار مستبدانه و نیز در موقعیت‌هایی که احساس ناامنی می‌کند، برچسب شیطنت خورده است.» یک چنین فرمول‌بندی مجدد نمی‌تواند به مدت طولانی مشکلی در مورد «بیلی کوچولو» محسوب شود. اما این رفتار در یک تعامل بین بیلی کوچولو و ساختارهای اجتماعی مشخص پدیدار شده است. به عبارت دیگر همان‌گونه که مکرراً اشاره شد برچسب زدن به شخصی به عنوان «شیطان» نه فقط درباره‌ی کسی که برچسب خورده است، بلکه درباره‌ی آن شخصی که برچسب می‌زند د/ده محسوب می‌شود. این داده‌ها، در مدار نظام سیستم برچسب‌ها می‌باشد که به وسیله‌ی یک شخص حرفه‌ای در زمینه‌های کاربردی به کار رفته است.

بدین ترتیب شخص ممکن است حتی پیش‌تر رود و شروع به بررسی معنای «شیطنت» نماید. ممکن است دریابیم که معلم‌های A و B و C و D هر یک تعریف کاملاً متفاوتی از «شیطنت» دارند. یا این‌که می‌فهمیم همه‌ی معلم‌های مدرسه به‌طور گسترده تعاریف مشابه دارند. اما والدین، کارگران و سایر اقشار اجتماع، این تعاریف را ندارند. دوباره به این نقطه هدایت می‌شویم که «شیطنت» هر چه می‌خواهد باشد، اما یک ویژگی ذاتی نیست، بلکه چیزی است که به وسیله افراد بخصوصی معنا شده است. این ویژگی، به‌طور اجتماعی ساخته شده است و فقط وقتی وجود دارد که گروه‌های مردم باعث شوند که وجود پیدا کند و این امر با اشاره مداوم به رفتارهای بخصوصی یا به افراد بخصوص، با عنوان «شیطان» پدید می‌آید. در این جا با اشاره مستمر به شواهدی از آنچه که مردم می‌گویند و آنچه که مردم در موقعیت‌های مختلف

انجام می‌دهند، شروع به ساخت نظریه درباره‌ی «شیطنت» کرده‌ایم.

بنابراین در ساخت نظریه‌ها، می‌توانیم از خود سؤالات زیر را بپرسیم:

● آیا افرادی که در یک موقعیت اجتماعی مشابه هستند (برای مثال همه‌ی معلمان) همگی یک نوع از شرح و تفسیر را ارائه می‌دهند؟ مانند این‌که «پسرها، پسر هستند.»

● آیا افرادی که در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت قرار دارند، شرح و تفسیر یک‌سان داشته و یا انواع مختلفی از توضیحات را ارائه می‌کنند؟ برای مثال آیا کلاس در حال کار و یا کلاس دیگر، تفاسیر متفاوت یا مشابه معتناهایی را اظهار می‌دارند؟

● آیا حوادثی که در یک زمینه مشاهده شده‌اند، در سایر زمینه‌ها نیز ادامه دارند؟ برای مثال «سارا» در زمان شرح بعضی چیزها برای معلم خود ممکن است یک فرد خاموش و ساکت به نظر بیاید، آیا او در زمانی که در حال شرح دادن چیزهای مشابهی برای دوست خود نیز می‌باشد، همان‌گونه خاموش و ساکت است؟

پس اگر این‌طور نیست این حدس به وجود می‌آید که موقعیت‌های اجتماعی متفاوت بر توانایی سارا برای شرح دادن چیزها به‌دیگران تأثیر دارد. اگر در مورد سایر دختران پدیده‌ی مشابه سارا یافت شود، بنابراین مهم خواهد بود که او را با سایر گروه‌های پسران مقایسه کنیم.

هم چنین مهم است که سایر فاکتورها، مانند سن، درجه اجتماعی و... را در نظر بگیریم. در این مرحله، یک نظریه درباره‌ی رفتار در گروه‌ها در مورد زمینه‌های اجتماعی ساخته می‌شود در این زمان «مقایسه‌ها»^(۳۰) و «مقابله‌ها»^(۳۱) بین افراد، گروه‌ها و زمینه‌های اجتماعی، به نشان دادن آنچه تثبیت می‌شود و آنچه بسته به زمان و در موقعیت‌های گوناگون و با ترکیب‌های گروهی متفاوت تغییر می‌کند، شروع خواهد شد. این فرآیند مداوم مقابله و مقایسه را اصطلاحاً «نمونه‌گیری نظریه‌ای»^(۳۲) می‌نامند.

در این فرآیند، امتحان کردن باورهای دیگران و حتی باورهای خودمان را آغاز کرده‌ایم. این باورها و شیوه‌های عمل به چالش کشیده شده، از طریق گوش دادن به آن و مشاهده گروه وسیع‌تری از

مردم، بیش از آنچه که مادر مکالمه‌ها و مشاهده‌های معمولی قادر به انجام آن باشیم، تغییر پیدا کرده است. اصولی که در بخش اخلاقی این سند طرح‌ریزی شده‌اند، تأیید می‌کند که ما هر شخصی را با جایگاه و حقوق برابر در یک پژوهش، در نظر گرفته‌ایم. به‌عنوان نمونه: بچه‌ها دارای رتبه‌ی پائین‌تری در یک گروه می‌باشند که شامل بزرگسالان نیز می‌شود. با گوش دادن به بچه‌ها، پژوهش می‌تواند یک بعد مهم و جدیدی را به کلاس درس و فهم ما از دنیای بچه‌ها اضافه کند. راهی که بچه‌ها برای تفسیر و معنا انتخاب می‌کنند بر اساس تجاربشان از کلاس درس می‌باشد.

نظریه و عمل، به یکدیگر وابستگی درونی دارند. به این معنا که وقتی ما در حال انجام عملی هستیم نظریه را توسعه می‌دهیم، و نظریه را توسعه می‌دهیم تا عمل کنیم. وقتی که ما نظریه‌ی ضعیفی می‌سازیم، اجراهای ما اغلب تولید برون دادهایی می‌کنند که متفاوت بوده و یا حتی برخلاف آنچه که انتظار داریم، می‌باشند. دانشمندان اغلب می‌گویند که هیچ‌چیز کاربردی‌تر از یک نظریه‌ی خوب نیست. از طرف دیگر نظریه به‌عنوان یک پایه برای عمل می‌باشد و ما مجبور هستیم که آنرا به‌دقت توسعه دهیم و مستمراً آنرا بررسی کنیم.

نظریه‌ی اجتماعی اغلب تفکری مبهم است. به هر حال رفتار روزانه میلیون‌ها انسان، به‌طور معمول، به‌وسیله ساخت‌های نظریه‌ای هم‌سان شده‌اند. تقویم زمانی رفت و برگشت، تقویم زمانی مدرسه و... جزو بحث‌های مؤدبانه‌ی ما بین غریبه‌ها، همه و همه از طرق متفاوت به‌طور نظام‌مند رفتار مردم را هماهنگ می‌کنند. ما خیلی خوب هستیم و اغلب در تکنیک‌های رفتاری‌مان خیلی دقیق و هماهنگ عمل می‌کنیم. به هر حال هیچ کدام از این‌ها، در یک مسیر بدون تفکر انجام نشده است. بدون شباهت به‌موادی که توسط شیمیدان‌ها و یا مهندسان دست‌کاری شده، مردم می‌توانند به این کار اعتراض کنند یا می‌توانند اقدامات جایگزینی را انتخاب نمایند. آن تقویم‌های زمانی که زندگی ما را در مدارس، کار و تجارت، و زندگی اجتماعی سازماندهی می‌کنند فقط وقتی عمل می‌کنند که ما این‌گونه انتخاب کنیم. بنابراین انتخاب، کلید

عمل می‌باشد.

به‌وسیله تشخیص و تولید جایگزین‌ها، انتخاب‌ها به‌دست آمده و اجراها برگزیده می‌شوند. مرحله‌ی اصلی و نهایی در فرآیند پژوهش در عمل، تدوین برنامه‌های عملی می‌باشد.

۲-۴ - برنامه‌ریزی برای اقدام

ما می‌توانیم دو نوع کاملاً متفاوت از برنامه‌ها را تشخیص دهیم:

الف) اولین نوع برنامه به دنبال تغییر جزئیات در شیوه‌های موجود انجام امور و یا در پی حل مسائل «مشخص» در طول اجرای یک برنامه بدون تغییر در کل برنامه می‌باشد.

ب) دومین نوع برنامه به دنبال جایگزین کردن یک شیوه‌ی متفاوت به جای شیوه‌های موجود در انجام امور است.

اولین نوع برنامه وقتی اتفاق می‌افتد که از طریق بحث بین اعضای گروه، همگی متقاعد می‌شوند که شیوه‌های عمل آن‌ها اساساً مورد قبول بوده، اما مسائل مهمی هستند که نیاز به اصلاح و پالایش دارند. دومین نوع برنامه زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که از طریق بحث بین اعضای گروه، همگی توافق می‌کنند که شیوه‌های عمل آن‌ها خیلی مفید نیستند، یا حتی در مقایسه با سایر شیوه‌های انجام کارها که از طریق جستجو و مشاهده به‌دست آمده و مشخص شده‌اند قابل دفاع نمی‌باشند.

در هر کدام از برنامه‌ها، پیش‌نهاد اقدام باید شامل موارد زیر باشد:

- بیان اهداف اقدام برنامه‌ریزی شده
- بیان دلایل برای انجام این اقدام
- بیان:

۱ - امور روزمره جدید

۲ - فعالیت‌های جدید

۳ - مواد جدید

۴ - اشکال جدید سازماندهی گروهی

۵ - مفاهیم و فلسفه‌های جدیدی که دلایل منطقی

برای تغییرات فراهم می‌کند

- بیان ابزار نظارت بر تغییرات

● بیان تغییرات تکوینی (۳۳) و ارزشی (۳۴). ارزشیابی تکوینی در هر مرحله‌ای از دوره‌ی اجرا اتفاق می‌افتد و می‌تواند برای فراهم کردن بازخورد مورد استفاده قرار گیرد. هم‌چنین به‌اقدام، شکل داده و آنرا جهت‌دهی می‌کند. ارزشیابی پایانی در انتهای دوره‌ی اجرا، به‌وقوع می‌پیوندد و تصویری کلی از پروژه اقدام را به‌طور کامل فراهم می‌کند. به‌طوری‌که افراد، مبنایی برای تصمیم‌سازی خود درباره‌ی حوادث یا آنچه که بعداً انجام می‌شود، خواهند داشت.

● بیان منابع، تجهیزات، وقت مورد نیاز و...

با دنبال کردن رهنمودهایی این‌چنین و وفق دادن آن‌ها با اهداف مشخص، پژوهش در عمل می‌تواند فرآیند مداومی از بهبود شغلی و حرفه‌ای باشد.

همان‌گونه که در تحقیق کیفی و در سایر انواع تحقیق، بر اجرا تأکید می‌ورزند، به‌طور فزاینده پیشینه‌های قابل ملاحظه‌ای درباره‌ی تغییر وجود دارد. حتی اگر یک مطالعه‌ی شتابزده این صفحات، برای خواننده بیان نماید که تغییر ارزش‌های پیش‌نهادی ما بیش از آنچه یک حادثه باشد، یک فرآیند است. مهم‌تر از این است که اگر به‌معلمان گفته شود که طرح شخص دیگری را اجرا کنند، موفقیتی به‌حساب نمی‌آید. برای ما، تغییر در پی مشورت کردن، بحث و مذاکره و سعی و تلاش برای همراه کردن تمایلات افراد درگیر، اتفاق می‌افتد. البته این امر همیشه عملی نیست و می‌تواند دشوار باشد، اما همیشه این‌گونه نیست. به‌عنوان مثال برای مدیران ضرورت ندارد که در پی‌گیری قضایا و بحث‌های رسمی با همکارانشان اصرار ورزند، بعضی مواقع یک صحبت‌گذرا و خلاصه می‌تواند کفایت کند. افرادی که خیلی نزدیک با هم کار می‌کنند راه‌هایی برای بحث درباره‌ی کارشان پیدا می‌کنند بدون آن‌که نیاز به جلسات رسمی زیادی داشته باشند و می‌توانند درکی را برای تشخیص سلیقه‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر فراهم نمایند.

در مؤسسات دانشگاهی، استادان و دیگران، فرهنگی را که متضمن شیوه‌هایی برای درک و همکاری با یکدیگر باشد، توسعه می‌دهند. در چنین سازمان‌هایی تصمیم برای تغییر توسط عموم

افراد اتخاذ می‌شود، و تا مادامی که تمامی افراد تغییرات را نپذیرفته‌اند، اغلب متخصصان راه میان‌بری برای آن پیدا می‌کنند. فرامین مدیران دیکتاتور بندرت در عمل مورد قبول قرار می‌گیرد. اگر چه افراد ممکن است به‌آن‌ها ترتیب اثر داده و با فرمانبرداری و اطاعت کورکورانه همه چیز را روبه‌راه جلوه دهند. کانون توجه مادر پژوهش کیفی، بر آنچه حقیقتاً اتفاق افتاده، قرار دارد و این توجه بیش از توجه به‌مورد (CASE) می‌باشد.

(۵) اجرای گام‌های اقدام (مرحله‌ی پنجم)

اگر شما اغلب تنها کار می‌کنید، با انتخاب‌های طبقه‌بندی شده‌ای روبرو می‌شوید. وقتی که همه چیز گفته و انجام می‌شود هر چیزی بستگی به یک تصمیم ساده دارد. «انجام دادن یا انجام ندادن؟»

همان‌طور که در بالا پیش‌نهاد کردم زمانی می‌رسد که شما مجبور هستید فقط اقدام کنید. اگر شما همکاری دارید که درگیر شده‌اند، لازم است با هر یک از آن‌ها صحبت کنید. اما سرانجام همان‌طور که در بالا اشاره شد، تغییر زمانی اتفاق می‌افتد که شخص حقیقتاً قصد انجام چیزی را داشته باشد. اغلب دلایل بیشتری برای اقدام نکردن فراهم می‌شود و طبیعی است که هر تغییری مستلزم یک خطر کردن است. اگر شما توقع دارید که هیچ خطری نکنید، شما یک انتظار طولانی را متحمل خواهید شد. اگر شما داده‌هایتان را جمع‌آوری کرده و به‌دقت تجزیه و تحلیل نموده‌اید و تلاش کرده‌اید تا اطمینان حاصل کنید که افراد با تمایل قلبی با شما همکاری می‌کنند، شما یک فرصت و شانس خوبی برای اقدام خواهید داشت. برای راهنمایی اقدام‌پژوه، یک دوست منتقد و توانا لازم است تا همکاری را گرد آورد که گزارشی از آنچه هر یک باید انجام بدهند، ارائه نمایند. ما همه چیزهای زیادی از داستان‌های ساده آموخته‌ایم. این داستان‌ها باید صادقانه ویژه و کامل باشند.

افراد مردد، اغلب با شنیدن شکست دیگران تقویت می‌شوند. این ضرورتاً سؤال‌ای از نامهربان شدن یا بودن نیست، بلکه اجازه دادن به‌سایرین است تا درک کنند که آنان تنها افرادی نیستند که مسیر راه را سخت و دشوار می‌یابند. آنان می‌توانند از همدردی با

دیگران روحیه بگیرند و با پیدا کردن شریک برای شکست خودشان کسب اطمینان نمایند. البته لازم نیست این‌گونه باشد و در حقیقت معمولاً یک امر منفی تلقی نمی‌شود.

زمانی که همکاران انجام اقدام را موفقیت‌آمیز می‌پندارند، مشتاقانه آن را بیان می‌کنند و سپس نشان می‌دهند که اشتیاق روبرو شدن با دور جدیدی از امکانات را دارند. قبل از این‌که موارد جاری فعلی تمام شود.

۶) جمع‌آوری داده‌ها جهت نظارت بر تغییر، تجزیه و تحلیل و ارزشیابی (مراحل ششم و هفتم)

مرحله‌ی ششم در واقع همان است که الیوت آن را «اکتشاف»^(۳۵) نامیده است و شما باید انجام دهید. این کار مستلزم آن است که اقدام‌پژوه اول از همه، موقعیتی را که به دنبال مراحل اجرایی مقدماتی می‌آید «توصیف»^(۳۶) نماید و سپس به «توضیح»^(۳۷) آن موقعیت پردازد. انجام این اقدامات نشان دهنده‌ی آن است که اقدام‌پژوه هم اکنون آماده برای انجام مرحله‌ی بعدی از چرخه‌ی پژوهش در عمل می‌باشد. در واقع این فرآیند به‌عنوان یک چرخه‌ی بدون پایان، و به‌شکل یک حلقه به‌نظر می‌رسد.

با این وجود یک گوناگونی در این تصویر منظم و آراسته یافت می‌شود. بعضی مواقع در طول دوره انجام پژوهش در عمل، پژوهشگر از میان بخشی از داده‌ها گذر می‌کند یا فکر جدیدی دارد یا به دلیل دیگری در می‌یابد که یک چشم‌انداز جدید و متفاوتی وجود دارد که بر اساس آن همه چیز انجام می‌شود. در این مرحله حلقه‌ی جدید کامل و از اصل جدا می‌گردد. برای مثال یک معلم هنر که در حال بررسی این موضوع است که آیا بچه‌ها از تصاویر بهتر نقاشی می‌کنند یا از اشیای عینی؟ به این نتیجه رسید که آن‌چه بیشتر اهمیت داشت همان شیوه‌ای بود که او آموزش می‌داد و بچه‌ها نقاشی کردن را یاد می‌گرفتند. هم‌چنین او دریافت که یک گروه کوچک در کلاس او، نه می‌توانستند نقاشی کنند و نه به نقاشی علاقه داشتند و او بهتر است فعالیت‌های متفاوت هنری را در نظر بگیرد که آن‌ها بتوانند انجام دهند.

پژوهشگر دارای شناخت، ممکن است در یک موقعیت برای

شکل دادن به یک فرضیه سنجیده‌تر عمل کند یا حداقل داده‌هایی را به‌منظور پیشرفت مطالعه، جمع‌آوری نماید.

جمع‌بندی

اگر شما احساس نگرانی می‌کنید، همان‌طور که خیلی‌ها این‌گونه هستند، بنابراین به‌قول معروف بهتر است که «داخل آب شوید تا آب را احساس کنید».

معمولاً مشکلاتی در جمع‌آوری داده‌ها وجود دارد و بعضی مواقع مشکلات بسیار اساسی هستند. از جمله در زمانی که شما تجزیه و تحلیل می‌کنید، داده‌های بیشتری را جمع‌آوری می‌نمایید و یافته‌های خودتان را در پیش رو می‌گذارید و...

بسیاری از کارورزان که در یک دوره‌ی زمانی طولانی از مطالعه دور بوده‌اند، اکنون برای این کار بازگشته‌اند. بنا به تجربه ما، مهم‌ترین مشکل، مواجهه با کسانی است که مسائل را خیلی زیاد به‌زمان‌های بعد موکول می‌کنند. نکته‌ی مهم این‌که شما نمی‌توانید بدون داده‌ها پیشرفت زیادی داشته باشید، بنابراین بروید و داده‌ها را جمع‌آوری کنید.

پی‌نوشت‌ها:

- 17 - observation
- 18 - interviewing
- 19 - important
- 20 - peripheral
- 21 - not sure
- 22 - The provocative style
- 23 - The "I'm on your side" style
- 24 - The "Laid back" style
- 25 - The social worker/encounter therapy style
- 26 - triangulated
- 27 - hyper text
- 28 - hyper card
- 29 - themes
- 30 - comparisons
- 31 - contrasts
- 32 - theoretical sampling
- 33 - formative
- 34 - evaluative
- 35 - reconnaissance
- 36 - describing
- 37 - explain